

استاد را نرنجانیم

صحنه فرود یک دوربین فیلمبرداری دیجیتال در فیلم «دختردایی گم شده» ساخته داریوش مهرجویی، استاد برجسته سینمای کشورمان، همچون صحنه فرود آن سنگ سیاه در فیلم «اودیسه فضایی ۲۰۰۱» ساخته استنلی کوبریک، نشانگر وقوع یک واقعه بزرگ است _ که در این فیلم به زیبایی به تصویر درآمده است: **دیجیتالی شدن** صنعت سینما. ما امروز به مدد این نوع دوربینها و دیسکهای نوری، فیلمها را در خانه با همان کیفیتی می توانیم ببینیم که فیلمبردار آن را فیلمبرداری کرده است. یعنی برخلاف گذشته که فیلمها بر روی نوارهای آنالوگ ضبط می شدند و کپی از روی کپی بر کیفیت اثر می گذاشت، تعداد کپی برداری هیچ تأثیری بر کیفیت کپی های دیجیتال نمی گذارد. از سوی دیگر، کپی سازی آسان و بسیار ارزان شده است.

تلویزیونهای LCD و پلاسمای HDTV، و سیستمهای بلندگویی چندکانالی، سینما را وارد بسیاری از خانه ها کرده اند. در مجموع، فناوریهای الکترونیک و کامپیوتر بهترین ابزار را برای سرگرم کردن ما در خانه فراهم ساخته اند. اما اگر فرهنگ درست استفاده از این فناوری را نداشته باشیم، سینمای خانگی می تواند سینمایمان را که به آن بالیده ایم و با آن زندگی کرده ایم نابود کند. مروری در سایتهای وب نشان داد که دی وی دی ناقص کپی رایت «ستوری» را حتی کسانی خریده اند که می دانستند نقض حق تألیف به زیان همه مردم است و می تواند سینمای ایرانی را نابود کند _ که نگران کننده است و می تواند اسباب رنجش خاطر استاد مهرجویی و همکارانش را فراهم سازد. هنرمندان سرمایه های ملی هستند، آثار آنها فقط متعلق به ما نیست، متعلق به فرزندانمان و فرزندان فرزندانمان نیز هست، همچنان که آثار حافظ و سعدی و مولوی متعلق به آیندگان آنها نیز بوده است. **اجاره نشینهای** خانه های (یا سینما-خانه های) نباشیم که سینمای ایرانی را به دست خود نابود می کنند. اگر بازگشت سرمایه برای تهیه کننده و کارگردان فراهم نشود و آنها نتوانند آثار جدید خلق کنند، آیندگان تک تک افرادی را مقصر خواهند دانست که حق تألیف را نادیده گرفتند. پس کاری نکنیم که فرزندان فرزندانمان بگویند که اگر سینما دیجیتال نشده بود، یا اگر پدر بزرگها و مادر بزرگهای ما قوانین کپی رایت را محترم شمرده بودند.... □